

بررسی نه رباعی خیامانه‌ی عطار

طه صادری* اسدالله واحد**

دانشگاه تبریز

چکیده

از میان آثار متعدد منسوب به عطار، نه اثر به عنوان آثار مسلم‌الصدور او شناخته شده‌است و مختارنامه از آن جمله است. با این‌که عطار شاعر و عارفی بزرگ و صاحب‌سبک بود، آنچه در اشعار و آثار مثنوی دیده می‌شود، اقتفا از سبک پیشینیان است. به همین ترتیب، در رباعیات مختارنامه نیز بهره‌گیری از سبک سرایش سنایی، خیام و برخی دیگر از رباعیات عرفانی پیش از قرن ششم، مشهود است. علاوه بر زبان، در برخی از رباعیات عطار، خصوصاً باب چهل و چهارم مختارنامه که در «قلندریات» و «خمریات» است، حتی محتوا هم به مضامین رباعیات اصیل خیام نزدیک می‌شود. فراتر از این بخش، ابوابی که بر اساس موضوعاتی همچون شکایت از نفس، مردم، دنیا و دیگر امور زندگی و حتی درباره‌ی یادکرد مرگ، فصل‌بندی شده‌است، دارای رباعیاتی است که سیاق خیامی دارند. از میان رباعیاتی که مشترکاً هم به خیام و هم به عطار منسوب شده‌اند، نه رباعی در این مقاله به لحاظ نسخه‌شناختی، سبکی و محتوایی، تحلیل شده‌است و انتساب آن‌ها به خیام، رد و تعلق آن‌ها به عطار، اثبات گردیده‌است.

واژه‌های کلیدی: خیام، عطار، رباعیات، مختارنامه، نسخه‌پژوهی، سبک‌شناسی.

۱. مقدمه

قاضی نورالله شوشتری تعداد تألیفات و تصنیفات شیخ عطار (۵۴۰-۶۱۸ ه. ق) را برابر با تعداد سور قرآن مجید یعنی صد و چهارده رساله و کتاب دانسته‌است. (نورالله

* دکتری زبان و ادبیات فارسی saderi@tabrizu.ac.ir (نویسنده‌ی مسؤل)

** استاد زبان و ادبیات فارسی avahed@tabrizu.ac.ir

شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۹۹) آنچه اکنون در دست است نام پنجاه و اندی اثر منظوم و مثنوی است که محققان این حوزه، تعلق حدود ده اثر را به عطار پذیرفته‌اند و انتساب چهل و اندی را به وی رد کرده‌اند؛ از این میان، برخی از کتب، مفقود است و در تذکره‌ها چیزی جز نام، از آن‌ها باقی نیست. فروزانفر با استناد به مقدمه‌ی *خسرونامه* و *مختارنامه*، ده اثر زیر را از آن عطار می‌شمارد:

۱. *اسرارنامه* (که بخشی از آن با نام «صدپند»، به صورت جداگانه هم کتابت شده‌است)؛ ۲. *الهی‌نامه* (بخشی از آن با عنوان «رابعه»، به صورت جداگانه تحریر شده‌است)؛ ۳. *مصیبت‌نامه* (که با نام‌های «جواب‌نامه» و «نزهت‌نامه» نیز آمده‌است)؛ ۴. *منطق‌الطیر* (یا «مقامات طيور») که بخش‌هایی از آن با نام‌های «هفت‌آباد»، «هفت‌وادی» و «شیخ صنعان» نیز به صورت مجزا شده‌است)؛ ۵. *جوهرنامه* (که تاکنون اثری از آن نیست)؛ ۶. *شرح‌القلب* (که جز نام، چیزی از آن در دست نیست).^۱ این شش مثنوی را در مقابل *خمسه‌ی نظامی* در برخی تذکره‌ها تحت نام «سته‌ی عطار» برشمرده‌اند؛^۲ ۷. *دیوان* (که مشتمل است بر قصاید، غزلیات و ترجیعات؛ بخش‌هایی از آن به صورت جداگانه با عناوین «قصیده‌ی بحرالابرار یا دریای ابرار»، «ارشادنامه یا قصیده‌ی رایبه» و «مثنوی عطار» نامبرده شده‌است)؛ ۸. *مختارنامه* (یا اختیارنامه که مجموعه رباعیات عطار است)؛ ۹. *خسرونامه* (این منظومه با نام‌های «خسرو و گل» و «گل و خسرو» نیز آمده‌است. قزوینی، مثنوی «گل و هرمز» را همان *خسرونامه* دانسته‌است؛ اما نفیسی این دو را جداگانه ثبت کرده. وزن هر دو، یکی است؛ اما قول نفیسی صحیح است)؛ ۱۰. تذکره‌الاولیا (که بعدها ترجمه‌ی منظومی از آن به نام «ولی‌نامه» سروده شد). (ر.ک: فروزانفر، ۱۳۵۳: ۷۵-۷۶) استعلامی نیز این ده اثر را آثار معتبر و مسلم عطار شمرده‌است. (ر.ک: استعلامی، ۱۳۸۲: ۹۱)

شفیعی کدکنی در مقدمه‌ای که بر *مختارنامه* نوشته، *خسرونامه* و *الهی‌نامه* را یک کتاب دانسته و آنچه را که امروزه به نام *خسرونامه* وجود دارد، مجعول شمرده‌است. (ر.ک: عطار، ۱۳۸۹: ۳۴-۵۹) زرین‌کوب تعلق *مختارنامه* را به عطار، ناممکن دانسته (ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۱۳)؛ میرافضلی در مقاله‌ای، نظر زرین‌کوب را بررسی و تردید وی را رد کرده‌است. (ر.ک: میرافضلی، ۱۳۷۹: ۳۲)

قزوینی در مقدمه‌ای که بر تذکره‌الاولیا نوشته، از بیست و یک کتاب منسوب به عطار، نام برده؛ ولی صحت انتساب آن‌ها را بررسی نکرده‌است. (ر.ک: عطار، ۱۳۲۲ق: مقدمه ذیل د)

نفیسی دو کتاب را بر مجموعه آثار عطار افزوده‌است: *مظهرالصفات* (که اثری از آن نیست) و *پندنامه* (که با عناوین «نصیحت‌نامه» و «سعادت‌نامه» نیز شناخته می‌شود). (ر.ک: نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

سادات ناصری غیر از ده کتاب نامبرده‌ی فروزانفر، این دو کتاب را هم از آثار مسلم عطار برشمرده‌است: *نزهه‌الاحباب* (که «نزهه‌الالباب» نیز نامیده می‌شود) و *ناهیدنامه* (که در جای دیگر، نامی از آن دیده نمی‌شود). (ر.ک: سادات ناصری، ۱۳۵۲: ۱۹)

درباره‌ی دیگر رسایل، محققان متفقند که از عطار نیستند و به اشتباه به نام او مشهور شده‌اند. (ر.ک: نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۱۴۲؛ نفیسی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۱۴-۱۱۵؛ میرانصاری، ۱۳۸۲: ۱۶۵ و صفا، ۱۳۶۹، ج ۲: ۸۶۲)

بنابراین اگر با دقتی علمی، شش مجموعه‌ی *اسرارنامه*، *الهی‌نامه*، *مصیبت‌نامه*، *منطق‌الطیر*، *دیوان* و *مختارنامه* را آثار منظوم مسلم‌الصدور عطار برشمریم، می‌توان سبک شعری وی را از روی این آثار شناخت. بررسی ابتدایی این آثار نشان می‌دهد که عطار بیش‌تر به سرودن مثنوی و رباعی علاقه داشته تا قصیده، غزل و دیگر قالب‌های شعری. دیگر این‌که عطار هم در نثر *تذکره‌الاولیا* و هم در سرودن اشعارش از نویسندگان و شاعران پیش از خود تأثیر پذیرفته و گاهی از شیوه‌ی ایشان تقلید کرده‌است. در نثر *تذکره‌الاولیا*، پی‌رو اسلوب *حلیه‌الاولیای* «حافظ ابی‌نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی» (ف ۴۳۰ق) بوده و در نظم، از شاعران عارف‌مسلك پیش از خود از جمله سنایی (ف ۵۳۵ ه.ق) تتبع کرده‌است. (ر.ک: فروزانفر، ۱۳۵۳: ۸۶)

با توجه به اهمیت رباعی‌گویی در میان صوفیه، عطار نیز به سرودن رباعی، راغب بوده و چنان‌که شفیعی نوشته: «شاید در زبان فارسی، هیچ شاعری به اندازه‌ی عطار، رباعی خوب و مسلم‌الصدور نداشته باشد». (ر.ک: عطار، ۱۳۸۹: ۱۱)

همان‌طور که او در نوشتن *تذکره‌الاولیا* آثار صوفیان پیش از خود را مطالعه کرده، بی‌گمان بخش اعظمی از رباعیات صوفیان قرون چهارم تا ششم را نیز خوانده یا شنیده بوده‌است؛ اما عطار، صوفی خانقاهی نبوده و سیاق اشعارش در سلک عرفان عاشقانه است. (ر.ک: مرتضوی، ۱۳۴۴: ۱۷-۱۸) در *مختارنامه*، هم مناجات صوفیانه فراوان است

و هم توصیفات عاشقانه؛ هم به موعظه پرداخته و هم نکات فلسفی بیان کرده‌است؛ از این رو می‌توان چنین دانست که عطار در سرودن چنین رباعیاتی علاوه بر توجه به اشعار صوفیان و عارفان به سروده‌های رباعی سرایانی چون خیام نیز نظر داشته‌است.

۲. رباعیات مشترک میان خیام و عطار

هفتاد و دو رباعی، هم به خیام منسوب شده و هم به عطار که از این تعداد، دوازده رباعی در *مختارنامه* نیامده‌است. با استناد به پژوهش انجام گرفته، از میان شصت رباعی مشترک باقی‌مانده، تعلق پنجاه و پنج رباعی به عطار، صحیح دانسته شده و انتساب سه رباعی به اوحالدین کرمانی و دو رباعی به نجم‌الدین رازی و خیام، اقوی شناخته شده‌است. در این جا دو نکته حایز اهمیت است:

نخست این که برخی از محققان، باب چهل و چهارم *مختارنامه* را که در «قلندریات» و «خمریات» است، خیامانه دانسته‌اند. (میرافضلی، ۱۳۷۹: ۳۷) این باب، تنها شامل چهارده رباعی مشترک میان خیام و عطار است و بقیه‌ی رباعیات مشترک، در بخش‌های گوناگون اثر پخش شده‌است.

دوم این که در نسخه‌هایی که شامل اشعار کوتاه هستند و یا به صورت جنگ، تذکره، بیاض یا سفینه تألیف شده‌اند، امکان دخل و تصرف کاتبان، زیاد بوده و تنها در صورتی می‌توان بر صحت مطالب، یقین داشت که شاعر به خط خود، سواد نسخه را با یک خط و رسم چنان بنویسد و امضا کند که نسخه‌شناسان، پس از تأیید خط و نشان آن، به عدم درج و اضافه‌ی سطری یا بیتی، موقن باشند؛ بنابراین نباید همه‌ی رباعیات چنین نسخه‌هایی را مسلم‌الصدر دانست. (ر.ک: عطار، ۱۳۸۹: ۱۱ و ۱۵) اگر در میان شصت رباعی، انتساب پنج رباعی به شاعری غیر از عطار، اقوی دانسته شود، در میان دوهزار و صد رباعی، امکان دخالت سروده‌های دیگران مقداری قابل توجه خواهد بود.

در این مورد، قدمت نسخه‌ی «۷۳۱ق» نمی‌تواند دلیلی قاطع بر تعلق همه‌ی رباعیات به عطار باشد؛ چراکه تاریخ بیش از صدساله‌ی پس از شهادت عطار، اوضاع آشفته‌ی دوره‌ی مغول و شهرسوزی‌ها و کتابخانه‌سوزی‌های تار را نباید از چشم دورداشت. این مسأله در مورد رباعیات نسخه‌ی «۷۰۶ق» اوحالدین کرمانی نیز صادق است.

۳. تأثیرپذیری عطار از خیام در سرودن برخی از رباعیات

یکی از مهم‌ترین منابع قدیمی که در آن از عمرخیام، ذکری آمده است، الهی‌نامه‌ی عطار است. عطار در مقاله‌ی هفدهم این منظومه، ضمن حکایتی می‌گوید:

یکی بیننده‌ی معروف بودی	که ارواحش همه مکشوف بودی
دمی گر بر سر گوری رسیدی	در آن گور آن چه می‌رفتی بدیدی
بزرگی امتحانی کرد خردش	به خاک «عمر خیام» بردش
بدو گفتا چه می‌بینی درین خاک	مرا آگه کن ای بیننده‌ی پاک
جوابش داد آن مرد گرامی	که این مردی است اندر ناتمامی
بدان درگه که روی آورده بوده ست	مگر دعوی دانش کرده بوده ست
کنون چون گشت جهل خود عیانش	عرق می‌ریزد از تشویر جاننش

(عطار، ۱۳۸۷: ۳۲۶)

ذکر این حکایت، نشانگر اختلاف زمینه‌ی فکری عطار با خیام است؛ با این که هر دو نیشابوری بودند، یکی عارفی بود شوریده و دیگری فیلسوفی وارسته؛ یکی از دنیا و مقام و جاه و مالش، گریزان و دیگری به دنبال پاسخی قانع‌کننده برای علت کوچیدن از جهان. طبیعی است که عطار همچون نجم دایه، خیام را فیلسوفی دهری و مردی ناتمام برشمارد؛ لکن هیچ‌یک از این مسایل دلیل نمی‌شود که عطار در لحن شاعری، متأثر از خیام نباشد. البته تأثیرپذیری از این لحن و زبان، تنها به مختارنامه ختم نمی‌شود و در قصاید و مصیبت‌نامه نیز از جمله در مرگان‌اندیشی، حیرت و زبان تند و باطنه، شباهت‌هایی دیده می‌شود. (ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۷۸: ۲۳، ۶۲، ۱۲۱)

۴. سبک‌شناسی رباعیات عطار و خیام

۴.۱. سبک رباعیات عطار

شفیعی کدکنی در مقدمه‌ی مختارنامه در مورد سبک رباعیات مختارنامه می‌نویسد: «تنوع مضامین و وسعت دامنه‌ی کمی رباعیات عطار، امری است که باید بدان توجه شود ... در مختارنامه لحظه‌ها و تجربه‌های روحی عطار به مراحل بیش‌تر و متنوع‌تر از دیگر آثارش نمودار است ... شعرش در قلمرو عرفان، خلوص و صداقت و سادگی بیش‌تری را داراست و معانی‌ای که به آن‌ها می‌پردازد در حدی فراتر از عوالم سنایی است. زبان شعر عطار، در قیاس با سنایی، نرم‌تر است.» (عطار، ۱۳۷۵: ۱۱-۲۰)

آنچه بر این نوشته می‌توان افزود، تعلق اشعار به یک زمینه‌ی عرفانی از نوع عاشقانه است. این موضوع سبب می‌شود که هم شاعر درباره‌ی مناجات، تحمید و توحید خدا، نعت پیامبر و خلفا، موعظه و اسرار غیب و روح، شعر بسراید و هم در صفت معشوق، درد فراق و...، تمثیل‌هایی پرکاربرد همچون پروانه و شمع، گل و بلبل و چشم و ابرو و خال و خط زیبارویان، به کار برد. موضوع سومی که از دو موضوع مطرح شده جداست، نخست، شکایت عطار است از نفس، مردم، دنیا، تنهایی، تعلقات دنیوی و عمر و دیگری، یادکرد مرگ است. این دو مسأله در کنار توصیه‌هایی برای اغتنام فرصت عمر، از جمله مضامین مشترک میان رباعیات خیام و عطار است که برخی رباعیات عطار را به لحاظ محتوایی نیز خیامانه می‌سازد. چنین رباعیاتی برای نزدیک شدن در محتوا، نیاز داشته‌اند تا در واژه‌گزینی نیز سیاق خیامی را بپذیرند و در نتیجه، کاملاً رنگ و بوی رباعیات خیام به خود بگیرند. البته بررسی کلی رباعیات مختارنامه نشانگر تفاوتی جدی میان زبان رباعیات عطار و خیام است؛ زبان شعری خیام، به اواخر سبک خراسانی تعلق دارد و زبان عطار، به اوایل سبک عراقی؛ هرچند شفیعی کدکنی زبان عطار را ساده‌تر از سنایی دانسته‌است، آمیختگی زبان او به رموز عرفانی، سخنش را از شاعرانی چون خیام، پیچیده‌تر کرده‌است. (ر.ک: غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۱۴۰)

عطار از کاربرد عبارات عربی و عرفانی همچون «سِرُّ السَّرِّ»، «الایزال»، «قدّوس»، «فی‌الجمله»، «لولاک»، «قرّه‌العین» و صدها عبارت دیگر، ابایی ندارد. گاهی آیات و احادیث را به صورت تضمین یا درج، می‌آورد و گاهی به صورت تلویحی بیان می‌کند. با این‌که اکثر رباعی‌ها زبانی روان دارند، برخی اوقات تعقید لفظی و یا حتی معنوی نیز در آن‌ها مشهود است؛ خصوصاً زمانی که از اصطلاحات مختصّ به نیشابور قرن ششم، بهره می‌جوید؛ از جمله: «آب به پل برون بردن» که تکرار واج‌های قریب‌المخرج «ب» و «پ»، سبب تعقید لفظی و تعلق واژه‌ی «پل» در معنی واحد تقسیمات ارضی به زبان خراسانی زمان عطار، سبب تعقید معنوی رباعی با مطلع «ای دل هر دم دست به خون نتوان برد» (عطار، ۱۳۷۵: ۹۹۶) و «از شرم رخت سرخی گل می‌بشود» (همان: ۱۰۰۲) شده‌است. آرایه‌های ادبی به فراخور موضوع، به کار رفته‌است و در رباعیاتی که مضمون عاشقانه و محتوای توصیفی دارند، نمود بیش‌تری دارد؛ البته در کاربرد چنین صنایعی، زیاده‌روی نشده‌است؛ بنابراین زبان عطار را می‌توان زبانی پخته و ساده از نوع سبک عراقی دانست که خامی رباعیات عرفانی قبل از قرن پنجم و پیچیدگی‌های رباعیات بعد

از قرن هفتم را ندارد و در یک سیر شکوفایی و ترقی شعری بین قرن پنجم تا قرن هفتم، قرار می‌گیرد.

۲.۴. سبک رباعیات اصیل خیام

برای شناسایی سبک رباعی خیام بیست و پنج رباعی از متون و نسخ قرن هفتم و هشتم، انتخاب شد. این رباعی‌ها با در نظر گرفتن تشابهات سبکی و زبانی، قدمت انتساب، عدم تردید در انتساب به غیر، کثرت تکرار در نسخ و مجموعه‌های رباعیات خیام، اعتماد بر متون و نسخ خطی و تناسب مضمون با اندیشه‌ی عمر خیام در متون منثوری که محققاً متعلق به وی است، از کتب التنبیه، مرصادالعباد، نزه‌المجالس، لمعه‌السراج، اقطاب‌القطیبه، نخبه‌الشارب، مسالک‌الممالک، تاریخ جهانگشا، تاریخ و صاف، مونس‌الاحرار، مجموعه اشعار و مراسلات لالا اسماعیل، جنگ خطی مجلس و جنگ اشعار قرن هشتم مستفاد فروغی - غنی، گزینش شد. با اعتماد به این بیست و پنج رباعی، نظر محققانی چون فروغی، هدایت، مینوی، یکانی و فولادوند در زمینه‌ی خیام، مطالعه گردید و با آن رباعیات سنجیده شد. نهایتاً سبک رباعیات اصیل خیام در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، به شکلی که در ادامه خواهد آمد، ویراسته و جمع‌بندی شد:

در سطح زبانی:

۱. ساده، روان، پخته، درست، موجز؛ ۲. عاری از آرایش، لفاظی، چرب‌زبانی و عربی‌مآبی؛ ۳. اربعه‌الارکانی.

در سطح ادبی:

۱. فصیح و بلیغ، استوار، شیرین و روشن؛ ۲. عاری از هرگونه تکلف و سستی.

در سطح فکری:

۱. دارای معانی لطیف، دقیق و بدیع؛ ۲. عاری از هزل، موعظه، خطابه، عرفان، مدح و ذم اشخاص، تضرع و زاری از فراق یا شادی از وصال.

لطف‌الله یارمحمدی به وجود سه عنصر «توصیف، توصیه و تعلیل» در رباعیات خیام اشاره کرده‌است. (یارمحمدی، ۱۳۷۱: ۶) برای دریافتن درون‌مایه‌ی اصلی رباعیات نیز با طبقه‌بندی دقیق آن رباعیات، با توجه به نظر محققان مذکور، این مضامین به دست آمد:

۱. سؤال از مرگ و یادکرد آن (توصیف)؛ ۲. اعتقاد به نوعی تناسخ (توصیف)؛ ۳. شکایت از دنیا و اشاره به بی‌وفایی آن و روایت تراژدی زندگی بشر (توصیف)؛ ۴.

شادی طلبی و اغتنام فرصت (توصیه)؛ ۵. مدح شراب یا دعوت به باده‌نوشی (توصیه)؛ ۶. جبرگرایی و بدبینی (تعلیل)؛ ۷. بینش فلسفی در حل معمای جهان و اظهار تردید و اقرار به عجز (تعلیل)؛ با توجه به دقت و وسواس به‌کاررفته در گزینش و بررسی رباعیات، می‌توان در صحت انتساب آن دسته از رباعیاتی که فاقد شرایط سبکی و مضمونی یادشده نیستند، تردید کرد.

۵. نه رباعی خیامانه‌ی عطار

با توجه به مطالب عنوان شده، از میان هفتاد و دو رباعی مشترک بین خیام و عطار، برای رعایت محدوددهی حجم مقاله، نه رباعی متعلق به عطار که از حیث خیامانه بودن زبان و محتوا، وارد مجموعه رباعیات منسوب به خیام نیز شده‌است، ذکر می‌گردد. در ادامه، هر رباعی محلّ انتساب به خیام و عطار، جداگانه درج شده و پس از تحلیل نسخه‌ای، به بررسی نکات سبکی و محتوایی اشعار پرداخته شده و در نهایت، علت تعلق رباعی به عطار بازگو گردیده‌است.

۱. می‌پرسی که چیست این نقش مجاز گر برگویم حقیقتش هست دراز
نقشی است پدیدآمده از دریایی و آن‌گاه شده به قعر آن دریا باز

انتساب به خیام:

نسخ خطی:	طربخانه (۸۶۷)، محفوظ‌الحق (۹۱۱)، پاریس (۹۳۴)، بریتانیا (۹۷۷)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، برلین (۱۰۵۸)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	نیکلا، وینفیلد، تامسون، دانش، هدایت II، تیرتها، یکانی، فولادوند II.

انتساب به عطار: در دو نسخه‌ی «۷۳۱ق» و «۸۲۶ق» مختارنامه‌ی مصحح شفیع‌ی نیز آمده‌است. (عطار، ۱۳۷۵: ۹۵)

تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: نخستین بار در سال ۸۶۷ ق، به نام خیام درج شده‌است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب رباعی به عطار، به نسبت خیام، اقدم است. واژه‌ی «مجاز» چندبار در رباعیات منسوب به خیام ذکر شده‌است:

ای دل چو حقیقت جهان هست مجاز چندین چه بری خواری ازین رنج دراز
(اقدم نسخ: بودلیان «۸۶۵»)

ما لعبتگانیم و فلک لعبت‌باز از روی حقیقتی نه از روی مجاز
(اقدام نسخ: اقطاب القطیبه «۶۲۹»)

هان تا به خرابات مجازی نایی تا کار قلندری نسازی نایی
(اقدام نسخ: نخجوانی «قرن نهم»)

رباعی بسیار پخته و دل‌نشینی است. ظاهرش ساده است؛ ولی معنی ژرفی دارد. به رباعیات اصیل خیام نیز شبیه است. تفاوتی که با سیاق خیام دارد این است که در پرسش‌های خیام از کیهان و منشأ آن، اغلب پاسخی برای سؤالات، مطرح نیست؛ ولی در این رباعی، مصراع دوم، پاسخی به سؤال طرح شده در مصراع اول است.

شاعر تعینات را نقشی مجازی دانسته که چونان موج و کفی برآمده از تلاطم دریایی است که پس از مدتی، چه دریا آرامش گیرد و چه امواج دیگر جانشین شود، این نقوش مجازی در تحول و تبدیل خواهند بود. این نکته مشابه مضامین تناسخی در رباعیات اصیل خیام است.

نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: با این‌که رباعی کاملاً خیامانه است، از دو نسخه‌ی مختارنامه‌ی متقدم بر *طریخانه* نمی‌توان چشم‌پوشی کرد؛ از این رو، می‌توان گفت این رباعی یکی از رباعیات خیامانه‌ی عطار است و تأثیرپذیری عطار از خیام در آن هویداست.

۲. جانی است در این راه خطرناک شده تن زیر زمین ز نیک و بد پاک شده

بس ره‌گذری که بگذرد بر من و تو ما بی‌خبر از هر دو جهان خاک شده

انتساب به خیام:

نسخ خطی:	بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	تامسون، تیرتها.

انتساب به عطار: در دو نسخه‌ی «۷۳۱ق» و «۸۲۶ق» مختارنامه‌ی مصحح شفیع کدکنی نیز آمده‌است. (عطار، ۱۳۷۵: ۱۸۶)

تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: این رباعی نخستین بار در قرن دهم به نام خیام درج شده‌است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب رباعی به عطار، اقدام است. رباعی ساده، شیرین و پخته‌ای است. بیت دوم اشاره دارد به واقعه‌ی مرگ و جریان حیات

دیگران، بالای گور مردگان فراموش شده؛ این مضمون در سه رباعی منسوب به خیام نیز آمده است:

می نوش دمی بهتر از این نتوان یافت اندر سر خاک یک‌به‌یک خواهد تافت (اقدام نسخ: بریتانیا «۹۷۷»)	مهتاب به نور دامن شب بشکافت خوش باش و میندیش که مهتاب بسی چون صبح دمید و دامن شب شد چاک می نوش دمی که صبح بسیار دمد
برخیز و صبح کن چرای غمناک او روی به ما کرده و ما روی به خاک (اقدام نسخ: بودلیان «قرن دهم»)	روزی که بود روز هلاک من و تو ای بس که نباشیم و وزین طاق کبود
از تن برهد روان پاک من و تو مه می‌تابد بر سر خاک من و تو (اقدام نسخ: طربخانه «۸۶۷»)	

جالب این‌که هر سه رباعی مذکور متعلق به عطار است و پیش از انتساب به خیام، در نسخ قدیمی *مختارنامه* آمده است. علت انتساب رباعی به خیام، نزدیکی به مضامین تناسخ و تلخی مرگ است. این مسأله نشان می‌دهد بسیاری از مضامینی که خیامانه شناخته شده، به تدریج در اثر حضور اشعار شاعران دیگر، در خلال رباعیات منسوب به خیام، داخل شده است و بررسی تاریخ انتساب چنین رباعیاتی، حقیقت را آشکار می‌سازد.

نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی:

بررسی تاریخ انتساب رباعی، نشان می‌دهد که از جمله رباعیات خیامانه‌ی عطار است.

۳. افسوس که بی‌فایده فرسوده شدیم وز آس سپهر سرنگون سوده شدیم
دردا و ندامتا که تا چشم زدیم نابوده دمی بکام، نابوده شدیم

انتساب به خیام:

نسخ خطی:	طربخانه (۸۶۷)، پیرپاسکال (قرن نهم به بعد)، محفوظ الحق (۹۱۱)، روزن (۹۳۰)، پاریس (۹۳۴)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	تامسون، دانش، هدایت I و II، تیرتها، برتلس، یکانی، دشتی، فولادوند II.

انتساب به عطار: در نسخه‌ی «۷۳۱ق» *مختارنامه‌ی مصحح شفیع کدکنی* نیز آمده است. (عطار، ۱۳۷۵: ۳۶۲)

نسخه بدل‌های مهم: ابتدای بیت نخست، در نسخه‌ی پیرپاسکال: «در طاس سپهر بازگون» است.

تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: این رباعی نخستین بار در سال ۸۶۷ ه. ق، به نام خیام درج شده‌است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب رباعی به عطار، اقدم است. واج‌آرایی حرف سین در بیت نخست و حرف دال در بیت دوم، مشهود است. این سروده، رباعی زیبا، پخته و فصیحی است. «نابوده» صفت مفعولی مرکب است که اغلب به شکل «نابود»، استعمال می‌شود و هر دو صورتش صحیح است. شکایت از نافرجامی این دنیا و ناپایداری عمر آدمی، از مضامین رباعیات اصیل خیام است.

نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: رباعی به لحاظ سبکی و محتوایی، خیامانه است؛ اما بررسی نسخ نشان می‌دهد که انتساب به عطار، پیش‌تر صورت گرفته؛ از این رو، می‌توان گفت از رباعیات خیامانه‌ی عطار است.

۴. قومی که به خواب مرگ سر بازنهند تا حشر ز قال و قیل خود بازرهند
تا کی گویی کسی خبر بازنداد چون بی‌خبرند از که خبر بازرهند

انتساب به خیام:

نسخ خطی:	طربخانه (۸۶۷)، نخجوانی (قرن نهم به بعد)، بریتانیا (۹۷۷)، لنینگراد (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	تامسون، تیرتها، یکانی.

انتساب به عطار: در دو نسخه‌ی «۷۳۱ق» و «۸۲۶ق» مختارنامه‌ی مصحح شفیع کدکنی نیز آمده‌است. (عطار، ۱۳۷۵: ۱۹۵)

نسخه بدل‌های مهم: صدر مصراع نخست در چاپ گلپینارلی و یکانی از رباعیات خیام: «آن‌ها» است. در حشو مصراع چهارم در چاپ همایی و یکانی، به جای «که»، «چه» نوشته شده‌است.

تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: رباعی نخستین بار در سال ۸۶۷ ه. ق، به نام خیام درج شده‌است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب رباعی به عطار، اقدم است. رباعی دیگری با تشابه مصراع نخست به صورت «آن‌ها که بنای زهد بر زرق نهند»، در *نزه‌المجالس* به نام خیام درج شده‌است. رباعیات مشابهی نیز به خیام منسوب شده که

مطالعشان چنین است: «قومی که در این سفر تو را همراهند»، «آن‌ها که اسیر عقل و تمییز شدند»، «آن‌ها که درآمدند در جوش شدند»، «آن‌ها که فلک‌ریزه دهر آرایند»، «آن‌ها که کهن شدند و آن‌ها که نوند»، «آن‌ها که محیط فضل و آداب شدند»، «آنان که کهن بوند و آنان که نوند»، «آنان که جهان زیر قدم فرسودند»، «آنان که به کار عقل در می‌کوشند». اکثر چنین رباعیاتی به علت تشابه ظاهری با یکی از رباعیات اصیل خیام، بعدها از سوی کاتبان متعدد، جزو سروده‌های وی نوشته شده‌اند که پس از بررسی دقیق مشخص می‌شود که این انتساب اشتباه بوده‌است. رباعی حاضر هم ازین قسم است. بی‌خبری از آینده و دنیای پس از مرگ، از موضوعاتی است که مکرراً در رباعیات منسوب به خیام آمده‌است و در رباعیات اصیل وی در قالب راز آفرینش، بیان شده‌است.

نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: این سروده، یکی از رباعی‌های خیامانه‌ی عطار است که بررسی نسخ نشان می‌دهد انتساب آن به خیام، درست نبوده‌است.

۵. چون رفت ز جسم جوهر روشن ما از خار دریغ پر شود گلشن ما
بر ما بروند و هیچ‌کس نشناسد تا زیر زمین چه می‌رود برتن ما

انتساب به خیام:

نسخ خطی:	بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	تامسون، تیرتها.

انتساب به عطار: در دو نسخه‌ی «۷۳۱ق» و «۸۲۶ق» *مختارنامه‌ی مصحح شفيعی* کدکنی نیز آمده‌است. (عطار، ۱۳۷۵: ۱۹۵)

نسخه بدل‌های مهم: ردیف رباعی در چاپ لکهنو و تیرتها: «تو» است. مصراع دوم در چاپ لکهنو و تیرتها: «با جنس دگر گزین کند مسکن تو» است. آغاز مصراع سوم در چاپ لکهنو و تیرتها: «آیند و روند» است. مصراع سوم در نسخه‌ای دیگر از *مختارنامه*: «بر پشت زمین کیست که نظاره کند»، ضبط شده‌است.

تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: رباعی نخستین بار در قرن دهم به نام خیام درج شده‌است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب آن به عطار، اقدام است. «خار دریغ»،

اضافه‌ی تشبیهی است. «گلشن» اشاره دارد به باغی که از خاک مردگان می‌روید. «شناختن» در مصراع سوم، اشاره دارد به اشیایی که از خاک مرده می‌سازند یا گیاهانی که از خاک مرده می‌رویند. رباعی به لحاظ معنی، ساده نیست؛ اشاره دارد به تناسخ که یکی از مضامین رباعیات اصیل خیام است.

نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: با توجه به تاریخ نسخ، می‌توان گفت این سروده، یکی دیگر از رباعیات خیامانه‌ی عطار است.

۶. بر بستر خاک خفتگان می‌بینم در زیر زمین نهفتگان می‌بینم
چندان که به صحرای عدم می‌نگرم ناآمدگان و رفتگان می‌بینم

انتساب به خیام:

نسخ خطی:	طربخانه (۸۶۷)، پاریس (۹۳۴)، ملک (قرن دهم)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	نیکلا، ویفیلد، تامسون، دانش، هدایت I و II، فروغی، تیرتها، یکانی، دشتی، فولادوند II.

انتساب به عطار: در نسخه‌ی «۸۲۶ ق» مختارنامه‌ی مصحح شفیع کدکنی نیز آمده است. (عطار، ۱۳۷۵: ۱۹۷)

نسخه بدل‌های مهم: آغاز مصراع نخست در چاپ لکهنو و گلپینارلی از رباعیات خیام: «بر مفرش» است.

تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: رباعی نخستین بار در سال ۸۶۷ ه. ق، به نام خیام درج شده است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب رباعی به عطار، اقدام است. ترکیب «صحرای عدم» به زبان خیام نزدیک است. ترکیبات متعدد با واژه‌ی «عدم» در رباعیات منسوب به خیام یافته می‌شود؛ از آن جمله است: «زین واسطه آورد برون از عدمت»، «آن مرد نیم کز عدمم بیم آید»، «از آب عدم تخم مرا کاشته‌اند»، «از سر عدم هیچ کس آگاه نشد»، «این قافله بین که از عدم می‌آیند»، «در کتم عدم خفته بدم گفتمی خیز»، «رفتیم به صندوق عدم یک‌یک باز»، «پاک از عدم آمدیم و ناپاک شدیم»، «ای کاش سوی عدم دری یافتمی».

صحرای عدم در نظر شاعر، جهان قبل از ولادت و پس از مرگ است و زندگی انسان در این دنیا، «دمی میان دو عدم» است. این همان مضمونی است که ادوارد

فیتزجرالد، سپس صادق هدایت و پس از ایشان، غلامحسین یوسفی را متأثر کرده‌است و بر این اساس، خیام را دارای باور پوچ‌گرایانه شناخته‌اند یا لاقلاً از وی فردی مأیوس و درمانده در گره‌گشایی از این مشکل ساخته‌اند. (ر.ک: هدایت، ۱۳۵۶: ۱۶) نکته‌ی قابل توجه این‌که به جز مصراع «ای کاش سوی عدم دری یافتمی» که در *نزه‌المجالس* (شروانی، ۱۳۶۶: ۱۲۱) آمده، قدمت انتساب هیچ‌کدام از مصاریع مذکور با واژه‌ی «عدم» به خیام، به پیش از قرن نهم نمی‌رسد و همگی زائیده‌ی تصورات کاتبان درباره‌ی اندیشه‌های خیام است. اما در رباعی

بر شاخ امید اگر بری یافتمی هم‌رشته‌ی خویش را سری یافتمی
تا چند ز تنگنای زندان وجود ای کاش سوی عدم دری یافتمی
(میرافضلی، ۱۳۸۲: ۲۷۹)

که از رباعیات اصیل خیام است، منظور شاعر از آوردن عدم در مقابل وجود، رهایی از این تعینات ظاهری و پیوستن به حقیقت ذات خویش است که همانا سر رشته‌ی ناپیدای وی نیز همان‌جاست و همه‌ی امید شاعر به تحقق آن وعده است. سطحی‌نگری است اگر از چنین رباعی فاخری، برداشتی یاس‌آور و پوچ‌گرایانه داشته باشیم. نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: با توجه به تقدم انتساب رباعی به عطار، می‌توان این رباعی را نیز از جمله رباعیات خیامانه‌ی عطار برشمرد.

۷. ای اهل قبور خاک گشتید و غبار هر ذره ز هر ذره گرفتید فرار
این خود چه سرای است که تا روزشمار بی‌خود شده‌اید و بی‌خبر از همه کار
انتساب به خیام:

نسخ خطی:	طریخانه (۸۶۷)، پیرپاسکال (قرن نهم به بعد)، محفوظ الحق (۹۱۱)، بریتانیا (۹۷۷)، روزن (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته II (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	نیکلا، وینفیلد، تامسون، دانش، هدایت I، فروغی، تیرتها، برتلس، یکانی.

انتساب به عطار: در سه نسخه‌ی «۷۳۱ق»، «۸۲۶ق» و «۸۳۲ق» مختارنامه‌ی مصحح شفیع کدکنی نیز آمده‌است. (عطار، ۱۳۷۵: ۱۹۷)

نسخه بدل‌های مهم: آغاز مصراع نخست در رباعیات خیام: «این اهل قبور خاک گشتند» است.

در مصراع دوم در رباعیات خیام به جای «گرفتید»، «گرفتند» آمده‌است. قافیه‌ی مصراع دوم در رباعیات خیام، «کنار» است.

آغاز مصراع سوم در *طربخانه*: «آه این چه شرابی است» ضبط شده‌است.

آغاز مصراع چهارم در رباعیات خیام: «بی خود شده و بی خبرند» است.

تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: با این که تعدد انتساب این رباعی به خیام چشم‌گیر است، نخستین بار در سال ۱۸۶۷ ه.ق، به نام خیام درج شده‌است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب رباعی به عطار، اقدم است. واژه‌ی «گور»، بیش از پنج بار و واژه‌ی «خاک»، بیش از پنجاه بار در رباعیات منسوب به خیام آمده‌است؛ اما واژه‌ی «قبر»، همین یک بار دیده شده‌است. «سرای»، «شراب»، «روز شمار»، «بی خود شدن» و «بی خبر بودن»، با واژگان همخانواده یا مترادفشان، مکرراً در رباعیات منسوب به خیام، به کار رفته‌است. قافیه‌ی مصراع دوم در رباعیات خیام، فصیح‌تر است. واقعه‌ی مرگ، تباه گشتن جسم و ناآگاهی انسان از چنین فاجعه‌ای، از مضامین مستعمل در رباعیات منسوب به خیام است؛ اما بیان رباعی با افعال دوم شخص، موعظه‌وار است و شاید از این رو هنگام انتساب به خیام، کاتبان شخص افعال را تغییر داده‌اند.

نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: تقدم انتساب رباعی به عطار در سه نسخه‌ی پیش از *طربخانه*، نشان‌دهنده‌ی تعلق رباعی به عطار است.

۸. بر چهره‌ی گل شب‌نم نوروز خوش‌ست

در صحن چمن روی دلفروز خوش‌ست

از دی که گذشت هرچه گویی خوش نیست

خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش‌ست

انتساب به خیام:

نسخ خطی:	بودلیان (۱۸۶۵)، <i>طربخانه</i> (۱۸۶۷)، پاریس a (۱۸۷۹)، پیرپاسکال (قرن نهم به بعد)، پاریس (۱۹۰۲)، محفوظ الحق (۱۹۱۱)، پاریس (۱۹۳۴)، پاریس (۱۹۴۷)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، برلین (۱۰۵۸)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	فیتزجرالد، وینفیلد، کریستن سن، تامسون، دانش، هدایت I و II، فروغی، تیرتها، برتلس، یکانی، فولادوند، دانشفر.

انتساب به عطار: در دو نسخه‌ی «۷۳۱ق» و «۸۲۶ق» مختارنامه‌ی مصحح شفیعی کدکنی نیز آمده‌است. (عطار، ۱۳۷۵: ۲۹۶) شفیعی با قاطعیت، آن را متعلق به عطار دانسته‌است. (همان: ۱۵)

نسخه بدل‌های مهم: در مصراع نخست در *طریخانه*، نسخه‌ی پیرپاسکال و چاپ کریستن سن به جای «شبنم»، «نسیم» و در نسخه‌ی برلین، «سبزه» آمده‌است. **تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی:** این سروده نخستین بار در سال ۱۸۶۵ ه.ق، به نام خیام درج شده‌است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب رباعی به عطار، اقدام است. در بیش از بیست و چهار رباعی منسوب به خیام، عبارت «خوش باش» تکرار شده‌است؛ اما قدمت انتساب هیچ‌یک از آن‌ها به پیش از قرن نهم نمی‌رسد. ظاهر رباعی، ساده و خالی از تصنع است؛ الفاظ عیب و نقص ندارد؛ هزل ندارد؛ تلخ نیست؛ فصیح و بلیغ است؛ در مقابل، شاعرانه است و بی‌آرایش نیست. اربعه‌الارکانی نیست و دو رکنی است. مضمونش اغتنام فرصت و خوش‌باشی است. از تأسف بر گذشته نهی می‌کند. **نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی:** می‌توان این رباعی را نیز از جمله رباعیات خیامانه‌ی عطار، به حساب آورد.

۹. مهتاب به نور دامن شب بشکافت می‌خور که دمی خوشتر ازین نتوان یافت
خوش باش و بیندیش که مهتاب بسی خوش بر سر خاک یک‌به‌یک خواهد تافت
انتساب به خیام:

نسخ خطی:	بریتانیا (۹۷۷)، بودلیان (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، برلین (۱۰۵۸)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی:	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ جدید:	نیکلا، تامسون، دانش، هدایت II، فروغی، تیرتها، دشتی، فولادوند I.

انتساب به عطار: در دو نسخه‌ی «۷۳۱ق» و «۸۲۶ق» مختارنامه‌ی مصحح شفیعی کدکنی نیز آمده‌است. (عطار، ۱۳۷۵: ۲۹۷)

نسخه بدل‌های مهم: در مصراع سوم در رباعیات خیام به جای «بیندیش»، «میندیش» آمده‌است که صحیح‌تر می‌نماید.

تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: رباعی نخستین بار در سال ۹۷۷ ه.ق، به نام خیام درج شده‌است که به لحاظ بررسی نسخ، انتساب رباعی به عطار، اقدام است. به علت

تکرار عبارت «خوش باش» در رباعیات منسوب به خیام، کاتبان هر رباعی را که حاوی این کلمه بوده، به خیام منتسب داشته‌اند؛ اما ملاحظه می‌شود که قدمت انتساب آن‌ها به پیش از قرن نهم نمی‌رسد. سیزده رباعی منسوب به خیام با عبارت «می خور» آغاز شده و همین عبارت و ترکیبات مشابه آن به دفعات در خلال رباعیات خیام آمده‌است که از کلمات کلیدی رباعیات اصیل وی محسوب می‌شود. صحبت از «خاک» و «گور» و «مرگ» نیز مکرراً در اشعار وی مشهود است. توصیه به باده‌نوشی، خوش‌باشی و یادکرد مرگ و فنا، از مضامین رباعیات اصیل خیام است. یکی از نکاتی که در رباعیات اصیل خیام وجود دارد این است که پس از توصیه به خوش‌باشی یا باده‌نوشی یا اغتنام فرصت، علت این توصیه نیز بیان می‌شود و بیش‌تر اوقات علتش رهایی از ترس فنا و تلخی مرگ و گرفتاری‌های مربوط به این دنیاست.

نتیجه‌ی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی: سبک و محتوای شعر، انتساب آن را به خیام، تقویت می‌کند؛ اما تأخر انتساب آن به وی و قدمت تاریخ نسخ *مختارنامه*، غیرقابل انکار است و ناچار باید گفت عطار این رباعی را نیز با الگو گرفتن از رباعیات اصیل خیام، سروده‌است.

۶. نتیجه‌گیری

در مقدمه‌ی این مقاله، آثاری که به عطار منسوب شده‌است بررسی شد و نظر عطارشناسان در مورد صحت این انتساب‌ها ذکر گردید. هشت کتاب نظم و یک کتاب نثر که محققان از آثار مسلم عطار می‌دانند، نام برده شد و از آن جمله، *مختارنامه* به لحاظ سبکی و محتوایی، مورد بررسی قرار گرفت. از آن‌جا که تنوع موضوعات در رباعیات *مختارنامه* زیاد است، ردّ پای سبک شاعران پیش از عطار را در این رباعیات، می‌توان یافت؛ از جمله، برخی از رباعیات عطار، کاملاً خیامانه است و نه تنها زبان شاعر به رباعیات اصیل خیام نزدیک شده، محتوای اشعار نیز درباره‌ی مسایلی چون شکایت از دنیا، عمر، روزگار و مردم است. در برخی نیز عطار با یادآوری فاجعه‌ی مرگ، نقش خیام را در انذار و تحذیر بازی می‌کند. در نوشته‌ی حاضر، نه رباعی خیامانه‌ی عطار بررسی شد و انتساب آن‌ها به خیام، ردّ و تعلقشان به عطار، اثبات گردید. به این ترتیب، بهره‌مندی عطار از سبک رباعیات خیام در سرودن تعدادی از رباعیات *مختارنامه* نیز مشخص شد.

یادداشت‌ها

۱. شفیعی کدکنی در مقدمه‌ی *مختارنامه*، خود عطار را نابودکننده‌ی دو کتاب *جوهرنامه* و *شرح‌القلب* دانسته‌است. (ر.ک: عطار، ۱۳۸۹: ۳۵)
۲. غلامرضایی و برخی دیگر از محققان، *دیوان*، *منطق‌الطیر*، *الهی‌نامه*، *اسرارنامه*، *مصیبت‌نامه* و *مختارنامه* راسته‌ی عطار دانسته‌اند. (۱۳۸۱: ۱۳۸) مسلماً این انتخاب، امروزی است و با خمسه‌ی نظامی که پنج منظومه‌ی مثنوی است، تناسبی ندارد.

فهرست منابع

- استعلامی، محمد. (۱۳۸۲). «از روایت تا واقعیت (در مطالعه‌ی سرگذشت و آثار فریدالدین عطار)». *مجله‌ی ایران‌شناسی*، سال ۱۵، شماره ۵۷، صص ۸۵-۹۳.
- برتلس، یوگنی؛ علیف، رستم و نوری عثمانوف، محمد. (۱۹۵۹م). *رباعیات عمر خیام*. ترجمه‌ی پیش‌گفتار و حواشی روسی، مسکو: انستیتو خاورشناسی.
- جاجرمی، محمد بن بدر. (۱۳۵۰). *مونس‌الاحرار فی دقائق‌الاشعار*. ج ۲، مقدمه‌ی محمد قزوینی، به اهتمام میرصالح طیبی، تهران: انجمن آثار ملی.
- خیام، عمر بن ابراهیم. (۱۳۳۲ق). *نسخه‌ی چاپ سنگی رباعیات عمر خیام*. به اهتمام بابو منو هرلال، لکهنو: مطبع منشی نولکشور.
- خیام، عمر بن ابراهیم. (۱۳۷۳). *رباعیات خیام*. با مقدمه فروغی و غنی، تهران: ناهید.
- دانش، حسین. (۱۳۴۰). *رباعیات عمر خیام*. با تحلیل فلسفی رضا توفیق، تهران: اقبال.
- دانشفر، حسن. (۱۳۵۴). *درباره رباعیات خیام*. با مقدمه‌ای از مجتبی مینوی، تهران: اسکندری.
- دشتی، علی. (۱۳۸۱). *دمی با خیام*. تهران: امیر کبیر.
- رشیدی تبریزی، یاراحمد بن حسین. (۱۳۷۲). *طربخانه*. تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *صدای بال سیمرغ*. تهران: سخن.
- سادات‌ناصری، حسن. (۱۳۵۲). «نقش رهبری در منطق‌الطیر عطار نیشابوری». *مجله‌ی هنر و مردم*، شماره ۱۳۵، صص ۲-۱۹.
- شروانی، جمال خلیل. (۱۳۶۶). *نزه‌المجالس*. تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
- شوشتری، نورالله. (۱۳۷۷). *مجالس‌المؤمنین*. تصحیح سیداحمد عبدمنافی، تهران: اسلامیه.

صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: فردوسی.
عطار نیشابوری، فریدالدین محمد. (۱۳۲۲ق). *تذکره‌الاولیا*. تصحیح رنولد نیکلسون،
مقدمه‌ی محمد قزوینی، لیدن: مطبعه‌ی بریل.

_____ . (۱۳۷۵). *مختارنامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران:
سخن.

_____ . (۱۳۸۷). *الهی‌نامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۱). *سبک‌شناسی شعر پارسی*. تهران: ناشر مؤلف.
فروزانفر، بدیع‌الزمان. (۱۳۵۳). *شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد
عطار نیشابوری*. تهران: دهخدا.

فولادوند، محمدمهدی. (۱۳۷۹). *خیام‌شناسی*. تهران: الست فردا.
کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۷۴). *بررسی انتقادی رباعیات خیام*. ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای،
تهران: توس.

مرتضوی، منوچهر. (۱۳۴۴). *مکتب حافظ*. تهران: ابن سینا.
میرافضلی، سیدعلی. (۱۳۷۹). «*آیا مختارنامه از عطار است؟*». *مجله‌ی نشر دانش (متعلق
به مرکز نشر دانشگاهی)*، سال ۱۷، شماره ۱، صص ۳۲-۴۳.

_____ . (۱۳۸۲). *رباعیات خیام در منابع کهن*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
میر انصاری، علی. (۱۳۸۲). *کتاب‌شناسی شیخ فریدالدین عطار نیشابوری*. تهران: انجمن
آثار و مفاخر فرهنگی.

نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*، ۲ جلد، تهران:
فروغی.

_____ . (۱۳۸۴). *زندگی‌نامه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری*. تهران: اقبال.

هدایت، جهانگیر. (۱۳۸۱). *خیام صادق*. تهران: چشمه.
هدایت، صادق. (۱۳۵۶). *ترانه‌های خیام*. تهران: جاویدان.
یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۷۱). «*ساخت گفتمانی و متن‌ی رباعیات خیام و منظومه
فیتزجرالد*». *فصل‌نامه مترجم*، سال ۲، شماره ۸، صص ۳-۱۶.
یکانی، اسمعیل. (۱۳۴۲). *نادره ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او*. تهران: انجمن آثار
ملی.

۱۷. ————— مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۸، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۵ (پیاپی ۲۸)

Heron Allen, Edward (1898). *The Ruba'iyat of Omar Khayyam*. A Facsimile of the MS in the Bodleian Library, Edited by Edward Heron Allen, H. S. Nichols, London: LTD.

Mahfuz-ul-Haq, M.(1939). *The Ruba'iyat of Umar-i-Khayyam*. Calcutta: Baptist Mission Press.

Nicolas, Jean-Baptiste. (1869). *Les Quatrains de Kheyam.*, Paris: Imprimerie Imperiale.

Pascal, Pierre. (1959). *Les Roba'iyyat D'Omar Khayyam de Neyshaboor.*, Rome: di Campo Marzio.

Tirtha, Swami Govinda.(1941). *The Nectar of Grace: Omar Khayyam's Life and Works*. Hyderabad: Government Central Press.

Thompson, Eben Francis. (1906). *The Quatrains of Omar Khayyam of Nishapur.*, Massachusetts: The Commonwealth Press.

Whinfield, E. H. (1883). *The Quatrains of Omar Khayyam.*, London: Trübne & Co.